

# ترک فعل‌های منشأ مسؤولیت کیفری اشخاص در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان

محسن شریفی<sup>۱</sup> ✉

۱. استادیار حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران. [Mohsen.sharifi@shirazu.ac.ir](mailto:Mohsen.sharifi@shirazu.ac.ir)

## چکیده:

حمایت از اشخاص کم‌تر از هجده سال به‌عنوان قشر آسیب‌پذیر جامعه سبب شد که قانون موسوم به حمایت از اطفال و نوجوانان وضع و ضمن پیش‌بینی طیفی از ابزارهای حمایتی، شماری از ترک فعل‌های صورت گرفته از سوی اشخاص مسؤول نسبت به آن‌ها را نیز به‌عنوان استثنایی بر قاعده، به‌دلیل جنبه‌ی نوع دوستی و انسانی قضیه، جرم‌انگاری کند. ارزیابی این تحول از آن‌رو به‌جاست که در پژوهش‌های پیشین انعکاسی که باید نیافته و در آنچه انجامیده هم، سطح تحلیل‌ها متفاوت از نگرش این نوشتار است. تحقیق حاضر، با روشی توصیفی-تحلیلی و بهره‌مندی از ابزار کتابخانه‌ای در گردآوری اطلاعات، در تدارک پاسخ به این پرسش است که کدامین ترک فعل‌های اشخاص متعهد در برابر وضعیت اطفال و نوجوانان وصف جزایی به‌خود گرفته و کدامین دیگر به‌رغم ضرورت، چنین سرنوشتی نیافته‌اند. همچنین، در پی احراز آن است که شرایط هریک از این بی‌کشتی‌های مجرمانه و ضمانت‌اجراهای آن‌ها چیست و از این حیث چه کاستی‌هایی متوجه موضع قانون یاد شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که بیشتر ترک فعل‌های بهره‌مند شده از مجازات، معطوف به اخلال در تحصیل و آسیب به جسم و روان این دسته افراد است. به‌روری، دگردیسی صورت گرفته مثبت و با این حال دارای سویه‌ای ناتمام است. چه، از جرم‌انگاری گونه‌هایی از ترک فعل‌ها از جمله غفلت فاحش پدر و مادر در نیل به خودکشی کودک یا بهره‌کشی اقتصادی از او پرهیز شده است. مجازات‌های تعیین شده نیز در مواردی، تناسبی با شدت برخی از جرم‌های مقرر ندارند.

**کلید واژه:** اطفال و نوجوانان، والدین و سرپرستان قانونی، سایر اشخاص، ترک فعل‌های مجرمانه، ضمانت اجرا

## مقدمه

اطفال و نوجوانان به سبب منش رفتاری و بُعد روحی و عاطفی، در جرگه‌ی لایه‌ی آسیب‌پذیر اجتماع دارند و بیش از همه آماجی برای اعمال مجرمانه و وضعیت‌های مخاطره‌آمیز محسوب می‌شوند. هم از این‌رو، و هم به دلیل پنهان بودن گونه‌های بزه‌دیدگی این قشر در قبال رفتارهای اشخاص مختلف به‌خصوص والدین، سرپرستان قانونی و دیگر مسؤولان، کاربست سیاست کیفری حمایتی افتراقی در مورد آن‌ها موجه و منطقی می‌نماید. این پوشیدگی، ریشه در دلیل‌های مختلفی مانند درک نادرست طفل یا نوجوان نسبت از وضعیت‌های مخاطره‌آمیز، ترس از والدین، عصبیت‌ها و باورهای سنتی و حفظ حیثیت و اعتبار خانواده دارد (کلانتری و نصرالهی، ۱۳۹۵، ص. ۱۸۲-۱۸۱). موج‌های شوک ناشی از قربانی شدن این طیف سنی در قبال گونه‌هایی از کنش‌های جنایی نظیر رفتارهای خشونت‌بار و جنسی بهیژه از سوی نزدیکان، اجرای عدالت کیفری در باره آن‌ها را با اقتضائات خاص خود همراه نموده است (خاقانی اصفهانی و احمدی، ۱۳۹۵، ص. ۳۹-۳۸). بدین منظور، تاکنون مقرره‌های بین‌المللی، منطقه‌ای و ملی معتابیهی به هدف پشتیبانی از آن‌ها وضع و به‌موقع اجرا گذاشته شده‌اند. این حمایت در نظام حقوقی ایران از سال ۱۳۱۰ با تصویب قانون اجازه الحاق دولت ایران به قراردادهای بین‌المللی پاریس و ژنو راجع به جلوگیری از رفتار جنایت‌آمیز نسبت به زنان و کودکان (<https://rc.majlis.ir/fa/law/show/92423>) آغاز و در ادامه، با قانونگذاری‌های با رویکردهای مختلف روبرو گردیده است. حال این حفاظت، در چارچوب قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ شکل جامع‌تری به خود گرفته است.

قبل از مصوبه بالا، قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱ به‌طور تخصصی از این گروه در مقابل گونه‌های آزار منجر به صدمه‌ی جسمی، روانی و اخلاقی در قالب هشت ماده صیانت کیفری کرده بود. متن موجزی که به‌دلیل عدم برخورداری از جامعیت، به‌خصوص ضعف در حوزه‌ی جرم‌انگاری و پاسخ‌گذاری و عدم تعیین مأموریت دستگاه‌ها و نهادهای حاکمیتی و اجرایی در قبال اشخاص مزبور، کارآمد نشان نداد (ارزانیان، ۱۴۰۱، ص. ۲۶۰؛ خاقانی اصفهانی و محسنی، ۱۴۰۱، ص. ۸۷). قانون‌گذار در تحول آخر با شناسایی عمیق‌تر بحران‌های متوجه اشخاص زیر هجده‌سال از جمله بهره‌کشی اقتصادی، قاچاق، هرزه‌نگاری، فحشا، ابتذال، خودکشی، ترک تحصیل، سوء رفتارها و صدمه به تمامیت جسمانی، نه تنها ارگان‌های دولتی و غیردولتی متنوعی مثل بهزیستی، نیروی انتظامی، صدا و سیما، نیروی انتظامی و سازمان زندان‌ها، وزارت‌های کشور، آموزش و پرورش و تعاون را برای مداخله‌ی پیش‌گیرانه و همکاری با دفتر حمایت از اطفال و نوجوانان قوه قضائیه خطاب قرار داده است، بلکه در فصل سوم قانون مورد اشاره، حسب مورد برای اقدام‌های عمدی و غیرعمدی مؤثر در وقوع این ناپه‌نجاری‌ها تعیین مجازات نموده است. موضوع مورد اهتمام این نوشتار البته، نه رفتارهای مثبت مجرمانه‌ی علیه اطفال و نوجوانان، بلکه ترک فعل‌های خلاف مصالح آن‌هاست که وصف کیفری به‌خود گرفته‌اند.

پوشیده نیست که مسؤولیت کیفری برپایه‌ی ترک فعل امری استثنایی و برخلاف قواعد حقوق جزا است. با وجود این، موجب این‌که قانون‌گذار در این مصوبه بر گونه‌های مختلفی از ترک فعل منتسب به اشخاص مرتبط با اطفال و نوجوانان انگشت تأکید نهاده و آن‌ها را تابع حقوق کیفری کرده است، لحاظ وجه انسانی و نوع دوستی مسأله و به منظور حفاظت حداکثری از تمامیت جسمانی و معنوی این طبقه‌ی حساس اجتماع بوده است. در این خصوص، هم می‌توان نشانی از ترک فعل‌های غیرنیازمند به نتیجه‌ی خاص مانند عدم گزارش وقوع جرم یا وضعیت مخاطره‌آمیز نسبت به کودک را یافت و هم می‌توان جلوه‌هایی از ترک فعل‌های نیازمند به نتیجه‌ی خاص نظیر بی‌توجهی منجر به آزار و فوت او را شناسایی کرد. با وجود این، گام برداشته شده، ناتمام است. زیرا، شماری از بی‌توجهی‌های منتهی به آثار سوء، مثل بهره‌کشی اقتصادی، فرار از مدرسه و محیط خانواده، به‌رغم داشتن مبنا از جمله ضرورت، مولد مسؤولیت کیفری نیستند. راجع به اثربخشی بعضی پاسخ‌های کیفری تعیین شده مانند حداقل مجازات

درجه هشت برای برخی ترک فعل‌ها مثل کوتاهی والدین و حدوث جراحت سر و صورت یا گردن یا آزار جنسی اطفال و نوجوانان نیز باید به دیده تردید نگریست.

در خصوص پیشینه‌ی پژوهش نیز درخور ذکر است، آثار درخوری در این زمینه از جمله تعهد سازمان‌های دولتی در قبال کودکان و نوجوانان در معرض خطر و بزه‌دیده، سازوکارهای پیش‌گیری از بزه‌دیدگی اطفال و نوجوانان و مسؤولیت کیفری والدین در زمینه‌ی بی‌توجهی و سهل‌انگاری در برابر کودکان دستخوش گزند، عدالت کیفری کودکان و نوجوانان<sup>۱</sup>، و نیز مدل‌های مدیریت بزه‌کاری این فشرده<sup>۲</sup> به رشته‌ی تحریر در آمده است. این نوشتار ضمن بهره‌مندی از آثار مزبور و دیگر منابع مرتبط، اما تفاوت معناداری با موضوع و منطقی آن‌ها دارد. زیرا، ورای وجه جرم‌شناختی مسأله یا وظیفه‌ی اداری ارگان‌های مشمول، ترک فعل‌های مجرمانه‌ی گونه‌های اشخاص نسبت به اطفال و نوجوانان - ورای پدر و مادر آن‌ها - و ضمانت اجرای آن‌ها را به بوته‌ی بحث و نقد برده است.

با این توضیح، ساختار پژوهش بدین گونه است که در بند نخست، جلوه‌های ترک فعل موجب مسؤولیت کیفری اشخاص حقیقی در قبال اطفال و نوجوانان و ضمانت اجرای آن‌ها نقد و بررسی شده‌اند. در بند دوم، مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی در قبال ترک فعل نسبت به این گروه انسانی مورد بحث قرار گرفته است. بهره‌ی کلام نیز، ناظر به یافته‌های پژوهش و رهیافت‌ها است.

## ۱. جلوه‌های ترک فعل موجب مسؤولیت کیفری اشخاص حقیقی در قبال اطفال و نوجوانان

اشخاص حقیقی و حقوقی، هر یک به فراخور حال می‌توانند تعهد خود را در برابر اشخاص زیر هجده سال ترک و مرتکب جرم‌های موضوع قانون حمایت از اطفال و نوجوانان و مشمول ضمانت اجرای متناسب با طبع خود شوند. آنچه که در این قسمت به‌موقع بحث گذاشته شده است، ترک فعل‌های منتسب به اشخاص حقیقی در چند ساحت است.

### ۱-۱. فراهم نکردن موجبات تحصیل اطفال یا نوجوانان

اهمیت آموزش و پرورش اطفال و نوجوانان چندان است که معیاری برای توسعه یافتگی جوامع به حساب می‌آید. بدین خاطر، کمیته‌ی مطالعات خشونت و بزه‌کاری فرانسه با اجباری اعلام کردن تحصیل این گروه سعی در محافظت آن‌ها از بزه‌دیدگی و خطر کرده است. همین‌طور در الجزایر، بازداشتن کودکان از تحصیل، موجبی برای پامال شدن حقوق طبیعی آن‌ها و زمینه‌ای جهت برای عقب ماندگی ذهنی، کج‌روی و قربانی شدن‌شان دانسته شده است (نقل از حسین پور، ۱۴۰۰، ص. ۲۷). اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر، علاوه بر به رسمیت شناختن این موهبت، اجباری کردن آن را در سطح ابتدایی برای همه‌ی انسان‌ها و به‌صورت مجانی پیشنهاد کرده است (Universal Declaration of Human Right, 1948, Art.26). مشابه این تأکید را می‌توان در اصل هفتم اعلامیه‌ی جهانی حقوق کودک ملاحظه کرد (Declaration of the Right of the Child, 1959, Art.7) شریعت اسلام نیز، ارزش بسیاری برای معرفت و دانش قائل و کسب آن را فارغ از قیود زمان، مکان و جنسیت، یک فرهنگ و فریضه‌ی همگانی قلمداد کرده است (مطهری، ۱۴۰۰، ص. ۴۳۰). همچنین، دولت‌های مردم‌سالار و قانون‌مدار، به رسمیت شناختن این مهم را یگانه

۱. ر.ک: یمین کاشانی، حمید (۱۴۰۳)؛ وظایف سازمان‌های دولتی در قبال کودکان و نوجوانان در معرض خطر و بزه‌دیده (موضوع ماده ۶ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان)؛ تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.

۲. ر.ک: حسین پور، میلاد (۱۴۰۰)؛ پیش‌گیری از بزه‌دیدگی اطفال و نوجوانان از طریق مداخله فوری قضایی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی.  
۳. ر.ک: ابراهیمی، شهرام (۱۴۰۱)؛ تحولات حقوق کیفری اطفال در فرانسه در پرتو قانون «عدالت کیفری کودکان و نوجوانان»، فصلنامه تحقیقات حقوقی شماره ۱۰۲، ۱۶۸-۱۸۸.

۴. ابراهیمی، شهرام (۱۴۰۲)؛ مدل‌های مدیریت بزه‌کاری کودکان و نوجوانان با تأکید بر نوآوری‌های ماهوی و شکلی قانون «عدالت کیفری کودکان و نوجوانان فرانسه»، مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دوره ۵، شماره ۱، ۲۰-۱.

راه خوشبختی فردی و اجتماعی انسان‌ها، و مجالی برای درونی شدن هنجارها، عقاید و باورهای تعالی‌بخش آن‌ها از سنین پایین تشخیص داده‌اند (بیگی، ۱۳۹۸، ص. ۳۱). کنوانسیون حقوق کودک به‌عنوان سند فراملی الزام‌آور، ضمن حیاتی خواندن حق آموزش و تحصیل برای کودکان و نوجوانان، اعمال آن را در شمار تکلیف‌های اولیا و سرپرستان در جهت شکوفایی استعدادهای آن‌ها قرار داده است (Convention on the Right of Child 1989, Art.28-29).

در ادامه، اعلامیه‌ی جهانی آموزش برای همه، از مسؤلیت مشترک دولت و شهروندان از جمله والدین در جهت برآورده کردن نیازهای تحصیلی و آموزشی کودکان و سطوح پشتیبانی این قضیه در مدرسه، منطقه، شهرستان، استان و کشور سخن گفته است (World Declaration of Education for All, 1990). در فرگشت تقنینی کشور ایران در این رابطه، می‌توان به اصل‌های (۱۸) و (۱۹) متمم قانون اساسی مشروطیت، قانون آموزش و پرورش عمومی اجباری و مجانی مصوب ۱۳۲۲، قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۵۳ که به طور مشخص برای والدین خوداری کننده از ایفای تعهدات خویش در این خصوص تعیین مجازات کرده است، اصل (۳۰) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، قانون حمایت از اطفال و کودکان مصوب ۱۳۸۱ که برای ممانعت والدین از تحصیل کودکان بدون نیاز به شکایت شاکی خصوصی مجازات تعیین کرده است، منشور حقوق شهروندی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۵)، برنامه‌های پنج ساله‌ی توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، سند چشم‌انداز بیست ساله، و قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ اشاره کرد.

در ماده (۷) قانون اخیر، برای هریک از والدین، اولیاء یا سرپرستان و دیگر اشخاص مسؤول تربیت و مراقبت از اطفال و نوجوانان که بر خلاف تکلیف مقرر در قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و جوانان ایرانی، از ثبت نام و فراهم کردن موجبات تحصیل این افراد تا پایان دوره متوسطه خودداری ورزد، جزای نقدی درجه هفت و الزام به انجام این تکلیف در نظر گرفته است. به این ترتیب، مؤلفه‌های رکن مادی این جرم مشتمل بر موضوع (حق بر آموزش)، رفتار فیزیکی (ترک فعل به شکل امتناع یا خودداری کردن) و شرایط و اوضاع احوال (قرار داشتن بزه‌دیده در محدوده سنی کم‌تر از هجده سال و مقطع تحصیلی متصور برای او، تا پایان دوره متوسطه) است. اما وقوع نتیجه، به سبب اتکای جرم به صرف رفتار مزبور، شرط نیست. از حیث رکن روانی نیز این جرم، عمدی و دربردارنده‌ی سوءنیت عام (عمد در رفتار ذکر شده) و سوء نیت خاص است (قصد محرومیت از تحصیل یا ادامه‌ی آن) است. با این همه، هستند صاحب‌نظرانی که این پدیده را فاقد سوء نیت خاص می‌دانند؛ از این رو که به سبب مطلق بودن این جرم نمی‌توان قصدی را برای نتیجه‌ی مزبور منظور کرد (عارفی، ۱۴۰۴، ص. ۴۴-۴۵). پذیرش این گفته دشوار است؛ زیرا مقید نبودن جرم در همه احوال نافعی قصد خاص مرتکب نیست و حسب شرایط گاه قانون‌گذار آن مهم برای تثبیت مسؤولیت کیفری مرتکب می‌داند. مانند مورد بالا یا مصداق‌های مجرمانه‌ی دیگری نظیر جعل و قلب سکه که رکن روانی هر یک قلمروی وسیع‌تری از رکن مادی آن‌ها دارد.

ضمانت اجرای این اقدام نیز به‌نحوی است که جزای نقدی در نظر گرفته شده، در صورتی که محکوم علیه در مهلت مقرر از اجرای حکم قطعی دادگاه سرپیچی یا پس از اجرای حکم، رفتار پیشین خود را تکرار کند، افزایش یک درجه‌ای خواهد داشت (تبصره این ماده). و چون این ترک فعل موجب بروز صدمه‌ی جبران‌ناپذیری در وضع پرورش صحیح کودک و تکامل اجتماعی او می‌شود، به‌مانند مقرره‌ی منسوخ پیشین (مصوب ۱۳۸۱)، جرم تلقی و طبق ماده (۳۱) بدون نیاز به شکایت شاکی خصوصی قابل پی‌گرد دانسته شده است. با این تفاوت که از یک‌سو، گزینه‌ی حبس حذف و جزای نقدی و الزام به ادای وظیفه‌ی ره‌اشده، جایگزین آن شده است و از دیگر سو، نسبت به عدم تمکین والدین و سرپرستان از حکم دادگاه یا اقدام به تکرار این رفتار پس از اجرای حکم، با شدت بخشی به جزای نقدی، تعیین تکلیف گردیده است. مضاف بر این که از کلی‌گویی پرهیز شده و با ذکر عبارت «تا پایان دوره‌ی متوسطه» و نیز اشاره به اطفال و نوجوانان به‌جای کودکان، محدوده و آماج این بزه‌کاری مشخص گردیده است.

با تمام این‌ها، ایجاب می‌نمود رویکرد اتخاذ شده، متعرض وضعیتی نیز می‌شد که بی‌توجهی اشخاص یاد شده، موجب اخلال در تحصیل کودک ولو بدون ممنوعیت کامل از این امر شود. چون مهم، حمایت از این قشر با تهدید کیفری هر شخص ایجاد کننده‌ی چالش در روند فعلیت یافتن این حق بنیادی به دلیل ناکارآمدی ضمانت‌های اجرائی غیر کیفری در تضمین آن است. گذشته از این، حق‌های بنیادین دیگری نیز می‌توان برای کودک متصور شد که خارج از دایره‌ی آموزش و پرورش به او آموخته می‌شوند. مانند فراگیری ورزش‌های حرفه‌ای یا هنرهای تجسمی‌ای که در امتداد استعدادهای ذاتی او است. معلوم نیست که چرا قانون‌گذار به بی‌توجهی‌ها و سهل‌انگاری‌های مخمل شکوفایی این ظرفیت‌ها پاسخ کیفری نداده است. اهمیت این قضیه از آن روست که تجلی قریحه‌هایی از این دست، بازه‌ی زمانی مشخص و بی‌بازگشتی دارد و غفلت از آن‌ها جبران‌ناپذیر است. واپسین مطلب این‌که، تعیین جزای نقدی به عنوان ضمانت اجرای این ترک فعل، به جهت پرهیز از تبعات سوء حبس بوده که به تدریج بر نظام‌های عدالت کیفری آشکار شده است. پوشیده نیست که سهولت در پرداخت پول از سوی اشخاص متکتم موجب عدم بازدارندگی کیفری، و صعوبت در پرداخت آن از جانب قشر نابرخوردار، زمینه‌ساز بازگشت دوباره‌ی آن‌ها به چرخه‌ی معیوب حبس بی‌بازده است. طریق معقول‌تر، پیش‌بینی حبس کوتاه مدت قابل جایگزین با موردهای پیش‌بینی شده در ماده (۶۴) قانون مجازات اسلامی حداقل برای تکرار ترک فعل مورد اشاره یا امتناع از اجرای حکم دادگاه می‌بود. هرچند، مجازات‌های اجتماعی نیز می‌تواند سازوکاری قابل تأمل و برخوردار از خصلت پیامدگرا باشد.<sup>۱</sup>

## ۲-۱. بی‌توجهی نسبت خطر شدید، جرم یا شروع به آن نسبت به اطفال و نوجوانان

تحولات حقوق کیفری نشان می‌دهد که قانون‌گذار نسبت به وضعیت انسان‌های قرار گرفته در معرض مخاطره، موضع منفعلی نداشته و به سبب بُعد انسانی و حقوق بشری قضیه، از اصل فعل بودن رفتار مجرمانه عدول و خودداری از یاری آن‌ها را در صورت داشتن توانایی جرم‌انگاری کرده است. نمونه‌ی تبدیل چنین وظیفه‌ی اخلاقی به تکلیف قانونی را می‌توان در مصوبه‌ی سال ۱۳۵۴ موسوم به قانون خودداری از کمک به مصدومین و رفع مخاطرات جانی مشاهده کرد. این جرم، مطلق و فارغ از هر نتیجه‌ای متضمن مسؤولیت کیفری شخص تارک است (میر محمد صادقی، ۱۴۰۳، ص. ۴۳-۴۲). با این همه، مقرره‌ی مزبور ابعاد وسیعی نداشته و همه‌ی فرض‌های ممکن را پوشش نمی‌دهد. چه به هر حال، انسان‌های تحت پوشش آن، همگان‌اند و برای اطفال و نوجوانان، فاقد یک رویکرد افتراقی حمایتی است. همچنین، معلوم نمی‌نماید که منشأ مخاطره‌ی شدید، فقط حوادث و بیماری‌ها هستند یا جرایم هم دخیل‌اند. ضمن این‌که، ترک فعل ناشی از مشاهده خطر را باعث مسؤولیت رؤیت‌کننده پنداشته و به ترک فعل مسبوق به اطلاع تسری نداده است.

ماده (۱۷) قانون حمایت از اطفال و نوجوانان اما با مورد توجه قرار دادن زوایای امر، در پیش‌گیری واکنشی از تهدیدهای معطوف به این قشر تضمین‌کننده‌تر ظاهر شده است. چراکه با پرهیز از خلط مفاهیم جرم و خطر شدید، قرار گرفتن اطفال یا نوجوان در معرض هریک را باعث تعهد همگانی برای معاضدت و شکل‌گیری مسؤولیت کیفری آن‌ها در صورت عدم اعلام و گزارش دهی به مقام‌ها و مرجع‌های صلاحیت‌دار یا خودداری از طلب کمک برای خروج از این بحران دانسته است. رفتار مجرمانه نسبت به اطفال یا نوجوانان نیز گستره‌ی وسیعی یافته است و می‌تواند علیه‌ی جان و تن و یا دیگر مصالح کودک مثل آزادی و عفت آن‌ها باشد. همچنین، ضرورت ندارد که جرم‌های مورد نظر، انجامیده و کامل باشند. بلکه ترک تعهدهای مذکور در قبال شروع به جرم نسبت

<sup>۱</sup> . این نوع مجازات‌ها که طبعی تأمینی و تربیتی دارند، به‌عنوان مجازات اصلی و نه جایگزین، در مصداق‌های معتناهی نظیر دوره‌ی مراقبت، خدمات عمومی رایگان، جزای نقدی روزانه در ماده (۹) لایحه‌ی جدید تعزیرات به‌خوبی مورد توجه قرار گرفته‌اند.

به آن‌ها نیز کافی برای مسؤولیت کیفری تارک است. در این رابطه، استمداد یا عدم استمداد طفل یا نوجوان نیازمند یاری هم تأثیری در مسؤولیت کیفری فاعل ندارد.

در هر شکل، این جرم مبتنی بر ترک فعل، مطلق بوده و برای ایجاد نیازمند نتیجه‌ی خاص نیست. شرایط و اوضاع و احوال آن، حالت فورس ماژوری است که محیط بر اشخاص کمتر از هجده سال شده است. از حیث رکن روانی، چنین اقدامی، عمدی و بر پایه‌ی سوءنیت عام (علم به وقوع جرم و دیگر حالت‌های یاد شده و اراده‌ی عدم ایفای وظیفه) و نه سوءنیت خاص استوار است. ضمانت اجرای آن نیز حسب مورد، یکی از مجازات‌های درجه شش قانون مجازات اسلامی است. هرچند که در هریک از وضعیت‌های یاد شده، قبح بی‌توجهی اشخاص دارای تکلیف شغلی نسبت اطفال و نوجوانان بیشتر و دارای عقوبت سنگین‌تری است (وفق تبصره ماده: دو یا هرسه مورد مزبور به‌همراه انفصال از خدمات دولتی یا عمومی یا محرومیت از فعالیت در آن حرفه).

با این همه، عدم تفکیک بین شدت و ضعف جرم فعلیت یافته و یا آغاز شده، و نیز خطر محقق یا در شرف وقوع نسبت به اطفال و نوجوانان و بازتاب یافتن این حقیقت در شدت و ضعف مجازات، مشی قانون‌گذار را زیر پرسش برده است. همچنین، از آن‌جا که عدم احساس مسؤولیت نسبت به مخاطرات دیگران بیش از هر چیز پدیده‌ای است ضد اخلاقی، معقول می‌نمود که برای مردم عادی متخلف، برای بار نخست به‌جای کیفرهای حبس یا جزای نقدی یا شلاق درجه شش که خصلتی سزاگرا یا توان‌گیر دارند، مجازات اجتماعی مناسب، از جمله دوره‌ی مراقبت توأم با آموزش مهارت‌های زندگی اخلاق‌مدار که واجد رویکردی اصلاحی است، به‌عنوان واکنش اصلی در نظر گرفته می‌شود؛ از جمله اقدام‌های فوری و متناسب مد نظر این ماده از سوی افراد برای جلوگیری از وقوع بزه یا تشدید آن نسبت به اطفال و نوجوانان، رویارویی با بزه‌کار یا توقف استمرار رفتار او به‌هنگامی است که مقام‌های قانونی مانند ضابطان در دسترس نباشند. این تجویز، مادام که شهروندان عادی از آگاهی و تعلیمات کافی برای ایفای نقشی چنین مهم برخوردار نشده‌اند، می‌تواند منشأ بی‌نظمی و فزونی مضار آن بر فوایدش باشد.

### ۳-۱. بی‌توجهی منجر به آسیب به تمامیت جسمانی، بیماری روانی و آزار جنسی اطفال

#### و نوجوانان

گاه والدین یا هر شخص دیگر دارای تکلیف، بدون آن که قصد ورود لطمه به جان، جسم، روان و عصمت اطفال و نوجوانان را داشته باشند، برپایه‌ی بی‌مبالاتی، موجب رنج‌هایی اینچنین نسبت به آن‌ها می‌شوند. از همین رو، ماده (۹) قانون مورد بحث، بزه‌دیدگان مزبور را مورد حمایت کیفری افتراقی به‌شرح زیر قرار داده است.

#### ۱-۳-۱. مسؤولیت کیفری غیر مستقیم نسبت به وضعیت اطفال و نوجوانان

اصل بر مسؤولیت کیفری مستقیم اشخاص به‌سبب رفتار مجرمانه‌ی خویش است و هیچ‌کس را نمی‌توان به‌واسطه‌ی فعل یا ترک فعل دیگری مؤاخذه و ملزم به پذیرش تبعات جزایی آن کرد. با وجود این، بر پایه‌ی مبانی نظری خطر و خطا، مسؤولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری به‌عنوان مسؤولیت کیفری نیابتی نیز قابل شکل‌گیری است. هرچند، نظریه‌ی دوم از آن‌رو که برای شخص غیرمقصری که همه‌ی جوانب امر را مراعات کرده، قائل به مجازات نیست و با اصل شخصی بودن مسؤولیت کیفری زاویه‌ای ندارد، به عدالت و اصول حقوق کیفری نزدیک‌تر است (اردبیلی، ۱۴۰۴، ص. ۹۶-۹۴). بر این اساس، مسؤولیت کیفری والدین و سایر اشخاص متعهد نسبت اطفال و نوجوانان می‌تواند از ترک فعل توأم با خطای آن‌ها نشأت گیرد. مستند این قضیه، ماده (۱۴۲) قانون مجازات اسلامی و ماده (۹) قانون حمایت از اطفال و نوجوانان است. این فرض البته زمانی ثابت است که بر اثر ترک فعل اشخاص مسؤول آسیبی جسمی، روانی و حیثیتی متوجه فرد کمتر از هجده سال شده و وی را بزه‌دیده کند (عبداللهی، ۱۴۰۲، ص. ۱۷۵). به

این ترتیب، علاوه بر مباشر جرم که تحت پی‌گرد و محاکمه قرار می‌گیرد، شخص تارک بی‌توجه و سهل‌انگار نیز حسب نقش مؤثر خود، سزاوار همین سرنوشت است. هدف از کاربست این تدبیر، پیش‌گیری از بزه‌دیدگی اشخاص دارای این رنج سنی با تهدید کیفری اشخاص دارای وظیفه در قبال وضعیت آن‌ها است.

### ۱-۳-۱. ترک فعل‌های موجب مسؤولیت کیفری غیر مستقیم نسبت به وضعیت اطفال و نوجوانان

مسؤولیت مبتنی بر ترک فعل شخص مسؤول را می‌توان در پرتو لطمه به جسم، روان و حیثیت جنسی طفل یا نوجوان ملاحظه و بررسی کرد. در این رابطه، موضع قانون‌گذار از کاستی‌هایی نیز برخوردار است که مورد اشاره قرار خواهند گرفت.

#### ۱-۱-۳-۱. ترک فعل منجر به آسیب به تمامیت جسمانی

رکن مادی این بزه مشتمل بر موضوع آن (افراد زیر هجده‌سال)، ترک وظیفه‌ی قانونی، قدرت ایفای این وظیفه، وجود رابطه‌ی سببیت بین این رفتار سبلی و نتیجه است. رکن روانی آن هم، بازگشت به سهل‌انگاری و غفلت مرتکب دارد (ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی). به این ترتیب، فارغ این نوع ترک فعل با برخی ترک فعل‌هایی که بحث شد، مانند خودداری از کمک به مصدومین و رفع مخاطرات جانی موضوع قانون مصوب ۱۳۵۴، برقراری رابطه سببیت با نتیجه‌ی جنایی است (صادقی، ۱۳۹۹، ص ۱۱۱-۱۰۷). در هر شکل، برابر ماده (۹) قانون حمایت، چنانچه پیامد شرایط مورد اشاره، فوت طفل یا نوجوان باشد، مجازات تعزیری تارک، حبس درجه پنج خواهد بود (بند الف). اگر یکی از مورد‌های محقق، زوال عقل، فقدان یکی از حواس یا منافع، قطع، نقص یا از کارافتادگی عضو، بروز بیماری جسمی درمان‌ناپذیر یا دشوار درمان، جراحت از نوع جائفه یا عمیق‌تر باشد، حبس درجه شش را در پیش رو دارد (بند ب). مراتب نازل‌تری نظیر نقصان یکی از حواس یا منافع، شکستگی استخوان یا دیگر اعضا، مواجهه با حبس درجه هفت خواهد بود (بند پ). مجازات جراحات‌های دیگر به‌جای مانده بر سر و صورت نیز یکی از مصداق‌های درجه هشت به تشخیص قاضی است (بند ت). یادآور می‌شود، به‌موجب تبصره ماده (۹)، مجازات والدین بی‌مبالات در هریک از این وضعیت‌ها، کمینه‌ی میزان‌های ذکر شده است. مسلم این‌که واکنش‌های مزبور در قیاس با آنچه که قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) از جمله ماده (۶۱۶)<sup>۱</sup> برای حمایت از بزه‌دیدگان بزرگسال تعیین کرده است، شدیدتر هستند.

اشکال‌های غیر قابل چشم‌پوشی نیز بر این نوع جهت‌گیری وارد است. نخست؛ درجالی که وظیفه‌ی والدین در مراقبت از فرزندان خویش سنگین‌تر از دیگران و به همین میزان ترک آن واجد قبح اخلاقی بیشتر است، مجازات آن‌ها در هریک از وضعیت‌های متصور، حداقل میزان مندرج در بندهای بالا است. ضمن این‌که درج کمترین میزان مجازات درجه هشت اعم از یک‌ریال، یک روز حبس یا یک ضربه شلاق در حکم، نامعقول و فاقد اثربخشی است. اگرچه کیفر حبس باتوجه به درجه پایین‌اش وفق ماده (۶۵) قانون مجازات اسلامی جای خود را به پاسخ‌های جایگزین می‌دهد، با این حال در صورت تعذر در اجرا یا تحلف مرتکب، دست آخر به‌موقع اجرا گذاشته می‌شود (ماده ۷۰). دوم؛ برای والدین یا سایر مسؤولانی که غفلت‌شان نسبت این اشخاص محرز و به‌رغم این، نتیجه به دیگران منتسب است، تعیین کیفر نشده است. هرچند به‌واسطه‌ی قطع رابطه استناد بین ترک فعل افراد نخست و نتیجه، بدیهی است که دومی، جانی به حساب آید. با این همه، روا بود برای این نوع بی‌مبالاتی که طفل یا نوجوان را در موقعیت بزه‌دیدگی از جانب دومی قرار داده است هم، تعیین واکنش می‌شد.

سوم؛ جای درنگ دارد که بی‌اعتنایی پدر و مادر نسبت به شرایط جسمی و روحی کودک و در نتیجه، اقدام به خودکشی از سوی قربانی، برخوردار از ضمانت اجرا نشده است. جرم‌انگاری این رفتار می‌توانست به تقویت احساس مسؤولیت این سرپرستان در برابر نیازهای بنیادی کودک و ممانعت از بروز بی‌مهری آن‌ها در حق او بینجامد. آنچه که در ماده (۱۴) قانون حمایت از اطفال و

<sup>۱</sup>. یک تا سه سال.

نوجوانان بعد کفیری به خود گرفته، امری متفاوت و مربوط به تحریک این دسته به خودکشی است. واپسین مطلب این که، گاه حسب کوتاهی محسوس و دامنه‌دار پدر و مادر و سرپرستان قانونی، کودک نه بزه‌دیده‌ی آسیب جسمی، که بزه‌کار این پدیده می‌شود. چندان که هم او و هم دیگران تجربه‌ی زیسته‌ی تلخی از این ترک فعل خواهند داشت. این بار، کودک به‌ظاهر بزه‌کار، خود قربانی چنین وضعیت مخاطره‌آمیز و درواقع بزه‌دیده‌ی ناشی از آن به‌حساب می‌آید (یمین کاشانی، ۱۴۰۳، ص. ۲۸؛ عبدالهی، ۱۴۰۲، ص. ۱۸۱-۱۸۰) از این‌رو، ایجاب می‌نمود که در راستای پیش‌گیری کفیری از این رویداد و بر مدار سیاست کفیری متمایز، این نوع بی‌کنشی منتسب به اشخاص مسؤول نیز مورد جرم‌انگاری و چاره‌جویی قرار می‌گرفت. شک نیست که جرم‌انگاری رفتارهای ضد اجتماعی و مضر به حال اشخاص و جامعه امری استثنایی و باید آخرین راهبرد هر نظام عدالت کفیری باشد. این اجتناب‌ناپذیری اما در خصوص رفتار مورد اشاره به‌سبب ناکارآمدی تدابیر حقوقی و گسترش محیط‌های خطر حاکم بر افراد یاد شده بارز و با بنیان‌های فکری حمایت از افراد یاد شده از جمله مبنای حقوق بشری آن همسو است. به‌این‌ترتیب، مصلحت و منفعت عالی‌ی کودک، محور تصمیم عدالت کفیری اطفال و نوجوانان در این باره است. مصلحت عالی‌ه، رهیافتی است که ورای نظام حقوقی ایران در نظام‌های حقوقی دیگر از جمله قانون عدالت کفیری کودکان و نوجوانان ۲۰۲۱ فرانسه نیز مورد تأکید و تصریح قرار گرفته است (ابراهیمی، شهرام، ۱۴۰۱: ۱۰۳-۱۰۲). در واکنش به این طیف بزه‌کار نیز بنا بر اصل برتری تربیت بر کفیر می‌بایست در معرض ضمانت اجراهای تربیتی و نه تنبیهی قرارشان داد. این اندیشه، هم از سوی قانون مورد اشاره از جمله در ماده ۱-۳۲۲ (ابراهیمی، ۱۴۰۲، ص. ۱۷) و هم تا حدی از جانب مواد (۸۸) و (۸۹) قانون مجازات اسلامی ایران دنبال شده است.

از حیث کارکردی نیز، انعکاسی از نقض هنجارهای بحث شده را می‌توان در رویه‌ی قضایی دید. نمونه‌ی آن، مرگ نوجوان متولد ۱۳۸۹ در شهر شیراز است که قضیه به‌لحاظ مشکوک بودن، به مداخله‌ی دادسرا و سپس رسیدگی توسط دادگاه کفیری (۲) می‌انجامد. علت مرگ به گواهی پزشکی قانونی، مصرف قرص فسفین (برنج) و اقدام به خودکشی بوده است. تحقیقات معلوم نمود که این ماده را از طریق فضای تهیه شده است. اتهام تفهیم شده به فروشنده‌ی این قرص و نیز والدین متوفی حسب ماده (۹) قانون یاد شده به‌ترتیب، بی‌توجهی در انجام این معامله ممنوع و عدم مراقبت و مواظبت است. این ماجرا پس از تحقیق و بازجویی در دادسرا ختم به صدور کیفرخواست می‌شود. دادگاه نیز پس از انجام محاکمه، تقصیر را متوجه فروشنده دانسته و او را به پرداخت یک فقره دیه‌ی کامل و تحمل دو سال و یک روز حبس تعزیری محکوم می‌نماید. با این استدلال که او به‌دلیل شش‌سال فعالیت در فروش سموم کشاورزی از مضرات این قرص و ممنوعیت معامله‌اش آگاه بوده و با علم به موقعیت سنی قربانی، آن را به او فروخته است. اما پدر و مادر متوفی را با این برهان که در جریان اقدام فرزند خود نبوده و در فرآیند تربیت و مراقبت نیز کوتاهی شدید و دامنه‌داری در حق او نداشته‌اند، تبرئه می‌نماید (دادنامه شماره ۱۴۰۴/۴۱۲۳۹۰۰۰۶۵۰۵۴۷۰، مورخ ۱۴۰۴/۶/۱۸).

در مقام ارزیابی باید گفت، تصمیم دادگاه در باره‌ی پدر و مادر متوفی منطقی و همسو با اصول حقوق جزای عمومی است. از آن‌رو که به‌سبب عدم احراز قصوری از آن‌ها و نبود رابطه‌ی علی‌ی از این بعد با مرگ حادث شده، نمی‌تواند مسؤولیت کفیری متوجه آن‌ها باشد. اما در خصوص تحمیل مسؤولیت مزبور به فروشنده‌ی این قرص خطرناک، باوجود درست بودن اساس آن، موجب احراز ناصحیح است. بدین خاطر که شرح واقعه از کُنشی بودن رفتار متهم (بی‌احتیاطی) و نه بی‌کُنشی او (بی‌توجهی) حکایت دارد.

### ۱-۳-۱-۲. ترک فعل منجر به ایجاد بیماری روانی

در مقایسه با جمعیت عمومی، اطفال و نوجوانان در پس مشکلات درون و برون خانوادگی، مستعد ابتلا به بیمارهای روانی از جمله اضطراب، ترس، افسردگی، پرخاش‌گری، بیش یا کم‌فعالی، و اختلال‌های خلقی، ارتباطی و شناختی هستند (باقری و دیگران، ۱۴۰۲، ص. ۶۱۹؛ جاری و دیگران، ۱۳۹۵، ص. ۱۰۹). مطابق آمار سازمان بهداشت جهانی، محدوده‌ای بین ده تا بیست درصد کودکان دنیا به درجه‌هایی از روان‌پریشی مبتلا و به‌دلیل‌های زیست‌شناختی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی، پیش‌بینی می‌شود که

این روند رو به گسترش باشد (نقل از محمدزاده و دیگران، ۱۳۹۵، ص. ۱۱۷). یک فرا تحلیل از چهل و یک مورد مطالعه در بیست و هفت کشور، شیوع جهانی اختلال‌های روان‌پزشکی در میان این سنین را با میانگین سیزده و چهار درصد را زنه‌ها را می‌دهد. نتیجه‌ی یک پژوهش میدانی با ابزار مصاحبه‌ی بالینی نیمه ساختاریافته در استان کردستان ایران نیز معلوم کرده است که میزان همه‌گیری این پدیده بین اشخاص شش تا شانزده سال در این قلمرو، نگران کننده و در حد سی و سه درصد می‌باشد (همان، ۱۳۹۵، ص. ۱۲۳). این مسأله از یک طرف، اهمیت بیماریابی دقیق در این گروه با برنامه‌های غربال‌گری گسترده جهت کاربست راهبردهای غیرکیفری پیش‌گیرنده و سپس درمان‌گر را نشان می‌دهد و از طرف دیگر، توسل به ابزارهای اثربخش کیفری در قبال رفتارهای مبنی بر غفلت سبب‌ساز آن را موجه می‌نماید.

با این توضیح، تبیین رابطه‌ی سببیت بین بی‌مبالاتی انجام شده و خدشه به سلامت روحی و اعوجاج‌های رفتاری اشخاص موصوف واجد اهمیت است. جرم مقیدی که ماده (۹) قانون مورد بحث آن را پیش‌بینی و کنشگران‌اش را والدین و دیگر اشخاص عهده‌دار تأمین نیازهای بنیادی این طیف دانسته است. از حیث واکنش کیفری نیز در این مقرر، برای بروز بیماری روانی دائمی اطفال و نوجوانان مجازات حبس درجه شش (بند الف) و برای بیماری روانی غیردائمی آن‌ها در اثر این قضیه، حبس درجه هفت تعیین شده است. مجازات والدین اما در این خصوص، حداقل مقرر است (وفق تبصره). این رویکرد با وجود مثبت بودن، از چند سو بحث برانگیز است. نخست؛ هرکدام از آشفتگی‌های روانی مستلزم یا موضعی اطفال و نوجوانان اقسام و مراتبی دارند و اما تأثیر آن در تنظیم شدت مجازات دیده نمی‌شود. دوم؛ به‌رغم حساس‌تر بودن نقش والدین در مواظبت از فرزندان خویش در مقایسه با دیگران، تعیین مجازات حداقلی برای این شکل از تسامح آن‌ها در بردارنده‌ی اشکال‌های پیش‌گفته است. مجازات حبس به تنهایی برای رهنمون ساختن افراد یاد شده به داشتن احساس مسؤلیت‌بیش از پیش نسبت به این اشخاص و اصلاح رویکرد تربیتی خود اطمینان‌بخش نیست و ضمیمه‌ی آن می‌بایست تدبیرهای اصلاحی و آینده‌محور باشد. البته نظر به امکان تبدیل حبس‌های درجه هفت و هشت مورد اشاره به واکنش‌های جایگزین، این مقصود تا حدی تأمین شده است. هرچند که رجوع به جایگزین برای حبس درجه هفت گذشته از مشروط بودن آن به شرایطی<sup>۱</sup> قاضی را مخیر و نه مکلف به اعمال آن می‌کند. چهارم؛ پیش‌بینی حبس درجه هفت برای حدوث بیماری‌های روانی دائمی‌ای که اثر سوئی کمتر از زول عقل ندارد، چندان تناسبی با این نتیجه ندارد.

### ۱-۳-۱. ترک فعل منجر به وقوع آزار جنسی

آزار جنسی اطفال و نوجوانان به معنی درگیر نمودن آن‌ها در فعالیت‌های خلاف عفتی است که دارای این شاخصه‌های عمده است: نخست؛ اشخاص مورد اشاره به‌طور معمول آن را دوست ندارند. دوم؛ هدف از این رفتار، اغلب ارضای جنسی فرد آزارگر است. سوم؛ بین آزارگر و فرد قربانی اغلب تفاوت سنی حاکم است. چهارم؛ اکثر وقت‌ها در خفا و با نقشه‌ی پیشین صورت می‌پذیرد. پنجم؛ گاه، قربانی، برای دریافت حمایت و محبت بیشتر، به‌پذیرش آن تن در می‌دهد (امیریان فارسانی، ۱۳۹۸، ص. ۲۱-۲۰). آزار جنسی، گستره‌ی فراتری از جرم‌های جنسی دارد و در بردارنده‌ی رفتارهای معتابه جنسی آسیب‌رسان تماسی و غیرتماسی از جمله تجاوز، استثمار جنسی، نشان دادن آلت تناسلی بزرگسال به او برعکس، مجبور کردن طفل یا نوجوان به روسپی‌گری، نمایش عمدی عکس‌های پورنوگرافی، خود ارضایی در مقابل طفل یا نوجوان و استفاده از این قربانیان برای فیلم، عکس و یا مدل پورنوگرافی

<sup>۱</sup> . این شرایط طبق ذیل ماده (۶۶) قانون مجازات اسلامی عبارت‌اند از: الف) نداشتن بیش از یک فقره سابقه‌ی محکومیت قطعی به حبس تا شش ماه یا جزای نقدی بیش از ده میلیون ریال یا جزای نقدی. ب) نداشتن بیش از یک فقره سابقه‌ی محکومیت قطعی به حبس بیش از شش ماه یا حد یا قصاص یا پرداخت بیش از یک پنجم دیه.

است (Committee on the Right of Child, 2011). زوال شخصیت قربانی، دوری از زندگی اجتماعی، اضطراب، دیدن کابوس در خواب و اختلال عصبی، جلوه‌هایی از تبعات ناشی از این وضعیت است.

بنا بر گزارش آمار سازمان بهداشت جهانی، به‌طور معمول از هر پنج دختر و از هر سیزده پسر، یک نفر از آن‌ها مورد این نوع آزار قرار می‌گیرند (نقل از سراوانی و همکاران، ۱۳۹۹، ص. ۱۴۱). از این‌رو، گذشته از لزوم کاربرست مساعدت‌های پزشکی و مراقبت‌های روانی برای درمان و بازگشت اعتماد از دست رفته‌ی آن‌ها و اطمینان از این‌که زین پس در معرض چنین واقعه‌هایی قرار نخواهند گرفت، بهره‌مندی از حمایت کیفری مؤثر پیش و پس از بزه‌دیدگی امری حیاتی می‌نماید (شاکری و عمویی، ۱۳۹۵، ص. ۲۰۶). با این تلقی، قانون حمایت از اطفال و نوجوانان ۱۳۹۹، نه تنها برخی رفتارهای عمدی، که شماری از ترک فعل‌های موضوع بحث این نوشته و منتج به نتیجه‌های بالا را در بند (ش) ماده (۹) وصف جزایی بخشیده و برای آن‌ها یکی از مجازات‌های درجه هشت را منظور کرده است. رویکردی با وجهی مثبت به دلیل جرم‌انگاری اصل قضیه و با این حال دارای وجهی منفی به سبب تعیین چنین واکنش کیفری نامناسبی. چراکه نمی‌توان قانع به این شد که مجازات مسامحه‌ی منتهی به تجاوز جنسی به یک کودک و مسامحه منجر به پورنوگرافی نیست به او همسنگ باشد.

شک نیست که اعتنا به این جنبه از بزه‌دیدگی اطفال و نوجوانان با اعطای وصف جزایی به رفتارهای غیرعمدی مبتنی ترک فعل، از نقطه قوت‌های این قانون به‌شمار می‌رود و بدین طریق، والدین و دیگر مسؤولان کاهل در این امر آماج نکوهش قرار می‌گیرند. اما بحث بر سر ادا نشدن حق مطلب از چند زاویه است: نخست؛ در ماده (۱) این قانون، نشانی از تعریف آزار جنسی در کنار دیگر مفاهیم ذکر شده، دیده نمی‌شود و این می‌تواند مایه‌ی اختلاف و تعارض رویه شود. دوم؛ به‌رغم اشاره‌ی بی‌قید ماده (۹) به بی‌توجهی و سهل‌انگاری در فراز نخست خود، در بند (ث)، این ترک فعل را مشروط به شدت و استمرار نموده است (عارفی، ۱۴۰۴، ص. ۶). در حالی جادداشت که این محدودیت موجبی برای فزونی مجازات و نه مؤلفه‌ی جرم باشد. ضمن این‌که، اجتماع دو شرط مبهم و تفسیر بردار مزبور، احراز مسؤولیت کیفری پدر و مادر بی‌توجه و سهل‌انگار را از جانب دادگاه دشوار و زمینه‌ی قربانی شدن کودک را تقویت می‌کند. بدین‌خاطر، بایسته است که در اصلاحات بعدی قانون، اثبات یکی از معیارهای مزبور توسط مرجع یاد شده کافی دانسته شود. دوم؛ تعیین مجازات درجه هشت برای تمام فرض‌های شدید و خفیف آزار جنسی مرتبط با سهل‌انگاری شدید افراد مزبور، برای تأمین هدف‌های سزادهی و بازدارندگی حقوق کیفری و تشفی خاطر بزه‌دیده کفایت‌کننده نیست. سوم؛ اغلب گزندهای جنسی نسبت به اشخاص کم سن و سال، ریشه در عدم مراقبت، عدم تربیت عمومی و عدم تربیت جنسی و عدم تقویت کنترل‌بازداری<sup>۱</sup> آن‌ها از جانب پدر و مادر دارد (محمدی و دیگران، ۱۳۹۹، ص. ۲). به‌عنوان مثال، تماشای فیلم‌های دارای صحنه‌های نامطلوب نزد کودک، بی‌اعتنایی نسبت به رفتار فرزندی که با سن مخالف ارتباط با دورنمای آسیب‌زا دارد، سفرهای پی در پی یا هر نوع دوری گزینی و باقی گذاشتن دختر نوجوان خود در ویلای مسکونی در کنار مرد مجرد سرایدار، عدم مدیریت رفتاری فرزند دختر در زمینه‌های مختلف نظیر حضور بی‌قاعده در مهمانی‌های شبانه با دوستان خویش، می‌توانند بستری برای این نتیجه‌ی ناخوشایند باشد. با این حال، آشکار نیست که از چهره‌ی قانون‌گذار مجازاتی کمتر از سایر اشخاص را برای آن‌ها به‌رغم بار مسؤولیت سنگین‌تر منظور کرده در حالی که عرف برای سهل‌انگاری این دسته، قائل به سرزنش به‌مراتب بیشتری است.

## ۲. مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی به‌واسطه‌ی ترک فعل‌های پیش‌گفته در قبال اطفال و نوجوانان

<sup>۱</sup> کنترل‌بازداری یکی از گونه‌های کنترل اجرایی است و اشاره به توانان بخشی کودک و تنظیم درونی او در برنامه ریزی و پردازش و عمل کردن دارد. کدکان با کنترل بازداری کم به احتمال بیشتری مواجهه با خطر از جمله آزار جنسی می‌شوند. جهت مطالعه بیشتر رجوع کنید به (Morrongiello BA, 2011: 94-189).

در این مجال، محور بحث نه تبیین رسالت نهادهای مخاطب قانون و نیز مدیران و پرسنل آن‌ها در در باره کودکان و نوجوانان، که اشاره به مسؤولیت کیفری مستقل شخصیت‌های حقوقی و ضمانت اجرای متناسب با طبع آن‌ها به واسطه‌ی ترک فعل‌های یاد شده است.

## ۲-۱. گونه‌های اشخاص حقوقی مسؤول

ماده (۲۱) قانون یاد شده، اشخاص حقوقی شریک یا معاون جرم‌های موضوع این مصوبه را نسبت به اطفال و نوجوانان، مشمول مجازات‌های موضوع ماده (۲۰) قانون مجازات اسلامی دانسته است. طبیعی است که شکلی از نقض قانون توسط این موجودهای اعتباری می‌تواند صورت بی‌کنشی نسبت به وظیفه‌ی مقرر به خود گرفته و به نتیجه‌های زیان‌باری منتهی شود. مانند موردی که در پی ترک مستمر مراقبت‌های ضروری از سوی نهادی موظف، فرد زیر هجده‌ساله دچار وقایع موضوع بندهای بعد مقاله مثل فوت، آسیب جسمی، روحی و یا آزار جنسی شود. در پاسخ به این پرسش که آیا همه‌ی اشکال اشخاص حقوقی مشمول به‌واسطه‌ی بی‌توجهی در برابر اطفال و نوجوانان، مخاطب حقوق کیفری بوده و بار مسؤولیت کیفری ناشی از آن را به دوش می‌کشند یا برخی، گفتنی است: باید بین اشخاص حقوقی عمومی متکفل امور حاکمیتی مانند نیروی انتظامی و اشخاص حقوقی عمومی عهده‌دار تصدی نظیر سازمان بهزیستی قائل به تفکیک شد و تنها اشخاص حقوقی نوع دوم را قابل مؤاخذه‌ی کیفری دانست (تبصره ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی). در دیگر نظام‌های حقوقی از جمله انگلستان نیز به‌طور مشابهی، دولت و ارگان‌های عمومی زیر مجموعه‌ی آن در قبال جرم‌های ناشی از اعمال حاکمیت، برخوردار از مسؤولیت کیفری نشده‌اند (میرمحمدصادقی، ۱۴۰۴، ص. ۱۲۷-۱۲۹؛ نیکومنظری، ۱۴۰۳، ص. ۱۸۰). تبیین مبانی نظری مصونیت کیفری اشخاص حقوقی نوع نخست از حوصله این نوشته به‌دور و خروج موضوعی دارد. پس، تنها به ذکر این نکته بسنده می‌شود که تحمیل مسؤولیت کیفری تشکلهای عمومی حکمران و آمری چون مورد اشاره شده و یا مصداق‌های دیگری مثل سازمان زندان‌ها با هر عملکردی از جمله قصور در قبال نسل کودک و نوجوان، معقول نمی‌نماید. چه، تضعیف اقتدار حاکمیت دولت در سطح کلان را در پی دارد. ضمن این‌که، اعمال مجازاتی شبیه انحلال در حق آن‌ها به اخلال در خدمات همگانی و نارضایتی مردمان می‌انجامد. از سویی، مواجهه‌ی آن‌ها با واکنشی مانند جزای نقدی نیز که به مثابه جابجا کردن پول از جیبی به جیب دیگر و امری بی‌حاصل است (غلامی، ۱۴۰۴، ص. ۲۵-۲۴؛ محبی، ۱۳۹۷، ص. ۱۷۸). از این‌رو، باید به مسؤولیت مدنی آن‌ها در ازای سهل‌انگاری منجر به نتیجه‌های ذکر شده بسنده نمود و در حوزه‌ی مسؤولیت کیفری، مدیران و پرسنل منفع‌ل آن‌ها را خطاب قرار داد.

ولی، در باره‌ی اشخاص حقوقی مانند کانون اصلاح و تربیت و سازمان بهزیستی که تصدی‌گر بوده و عهده‌دار اموری‌اند که از قید انحصار نهادهای حاکمیتی خارج و همسنگ دیگر اشخاص حقوق خصوصی واجد اهلیت هستند، قضیه متفاوت و مسؤولیت کیفری آن‌ها فاقد چالش مذکور است. این نهادها برپایه‌ی شرایطی، در قبال ترک وظیفه نسبت به کودکان و نوجوانان از مسؤولیت برخوردار و آماج ضمانت اجرای کیفری متناسب قرار می‌گیرند. در خصوص سازوکار انتساب مسؤولیت کیفری به اشخاص حقوقی از این حیث، نظام کیفری ایران مدل اشتقاقی را برگزیده است. به این معنی که هر شخص حقوقی متعهد در برابر اطفال و نوجوانان، از مجرای ترک فعل نماینده‌ی خویش مخاطب حقوق کیفری قرار می‌گیرد. به عبارتی، مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی در عموم جرم‌ها از جمله موارد مورد نظر این نوشتار، نه مستقیم، که غیرمستقیم است. از همین‌رو، تبیین ماده (۲۱) قانون حمایت از اطفال و نوجوانان در پرتو رویکرد ماده (۱۴۳) قانون مجازات اسلامی و احراز بی‌توجهی از جانب نماینده‌ی قانونی سازمان نسبت به وضعیت افراد مزبور ممکن می‌نماید. هر چند که این، تنها مؤلفه‌ی بایسته‌ی مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی نیست و بلکه ضروری است، نماینده‌ی مورد نظر به‌نام یا در راستای منافع شخص حقوقی متبوع، مرتکب ترک فعل مجرمانه شده باشد.

با این شرح، اگر نماینده‌ی قانونی نهادی چون بهزیستی به حساب، ولی بر خلاف منافع و مصالح وی موضع بی‌اعتنایی و سهل‌انگاری نسبت به اطفال و نوجوانان تحت پوشش اتخاذ نموده و سلامت جسمی و روحی آنان به مخاطره افتد، متضمن مسؤولیت کیفری این شخص حقوقی نخواهد بود. همینطور، اگر نماینده‌ی مزبور به نام خود اما به نیت کاهش هزینه‌های اقتصادی شخص حقوقی، از تأمین وسایل و امکانات تحصیل موانع افراد تحت مراقبت امتناع ورزد، مسؤولیت کیفری متوجه او و نه شخص حقوقی است. در تشخیص مظهر و مصداق نماینده‌ی شخص حقوقی اما، ماده (۱۴۳) قانون مجازات اسلامی موضع سکوت اختیار کرده است. چاره کار در این خصوص، رجوع به ماده (۷۴۷) بخش تعزیرات این قانون و تبصره (۱) ذیل آن است که به مدیر شخص حقوقی اشاره و آن را فرد دارای اختیار تصمیم‌گیری، نمایندگی یا نظارت معرفی کرده است. به این سان، هریک از افراد مذکور، نماینده‌ی قانونی شخص حقوقی و در صورت عدم انجام تکلیف‌های مقرر در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، موجد مسؤولیت کیفری برای شخص حقوقی است. این واقعیت اما، نافی مسؤولیت کیفری مدیر مقصر نیست و او نیز به واسطه‌ی داشتن استقلال و عقلانیت در ارتکاب جرم، در معرض تعقیب و محاکمه قرار خواهد داشت. اضافه باید کرد، اگر منشأ ترک فعل واقع شده نسبت به طفل یا نوجوان، پرسنل عادی یک نهاد حقوقی دارای وظیفه و این، ریشه در عدم نظارت مدیر بر کارکرد او داشته باشد، نهاد مزبور باز مسؤولیت کیفری می‌باید در این میان، آنچه که مورد غفلت قانون‌گذار قرار گرفته است، پذیرش مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی برپایه‌ی فرهنگ سازمانی در قبال عموم جرم‌ها نسبت به کلیه‌ی اشخاص از جمله ترک فعل‌های اشاره شده نسبت به اطفال و نوجوانان است. جایگاه این مدل از مسؤولیت که غیر اشتقاقی که نظام‌هایی کیفری‌ای چون انگلستان نیز مورد پذیرش قرار داده‌اند (شریفی و دیگران، ۱۳۹۲، ص. ۸۲-۷۷) است، به‌هنگامی است که موجب ترک تکلیف در این زمینه، نه تقصیر فردی، که تقصیر سازمانی و سیاست و رویه‌ی است که گاه اشخاص حقوقی در پیش می‌گیرند. قبول این سازوکار کمک می‌کند که برفرض عدم شناسایی خطای پرسنل انسانی شاغل در نهادهای مسؤول در برابر این قشر آسیب‌پذیر، بتوان برپایه‌ی احراز تقصیر ساختاری و فرهنگ جرم‌زا، خود شخصیت حقوقی را مؤاخذه‌ی کیفری کرد.

## ۲-۲. مجازات اشخاص حقوقی مسؤول

در خصوص مجازات شخص حقوقی، دادگاه به گزینش یک یا دو مجازات مندرج در ماده (۲۰) قانون مجازات اسلامی با لحاظ شدت جرم و نتیجه‌ی زیان‌بار می‌پردازد. نمونه‌ی این ضمانت‌اجرا که شدیدترین نیز است، می‌تواند انحلال باشد که حسب مورد متوجه شعبه‌ی شخص حقوقی متخلف یا مرکزیت آن خواهد بود. تحقق شرایط توسل به این واکنش البته دشوار و منوط به اثبات شکل‌گیری شخص حقوقی برای ارتکاب جرم علیه اطفال و نوجوانان و یا انحراف از مسیر مشروع نخستین و تخصیص فعالیت خود به عملیات مجرمانه در این حیطه می‌باشد (ماده ۲۲). واقعیتی که البته در عمل سخت به وقوع می‌پیوندد. جزای نقدی، ممنوعیت از یک یا برخی از فعالیت‌های شغلی یا حرفه‌ای و انتشار حکم محکومیت، دیگر پاسخ‌های در دسترس هستند. اگرچه رویکرد قانون‌گذار در خصوص جزای نقدی با این نقد روبرو است که اجرای این تدبیر نسبت به شخص حقوقی را منوط به پیش‌بینی آن برای شخص حقیقی مقصر با اعمال ضریب دو تا چهار برابر کرده است. به این ترتیب، در ترک فعل‌های موضوع ماده (۹) قانون حمایت از اطفال و نوجوانان منتهی به حدوث فوت یا آسیب جسمی، روحی و آزار جنسی که مجازات شخص حقیقی جز حبس نیست، شخص حقوقی نمی‌تواند در پرتو این ضمانت اجرا قرار گیرد. همچنین، عدم تعیین برخی ضمانت اجراها مانند خدمات اجتماعی رایگان و تعلیق مراقبتی از سوی ماده (۲۰) که می‌توانست تقویت‌کننده‌ی هدف‌های قانون حمایت از اطفال و نوجوانان باشد، با ایراد جدی مواجهه کرده است. اهمیت واکنش‌هایی از این دست از چند سو است: نخست؛ مناسب اشخاص حقوقی غیرتجاری از جمله دستگاه‌های صاحب تکلیف در برابر افراد تا هجده سال است. دوم؛ تبعات سوء مجازات‌هایی چون انحلال، مصادره

اموال و آسیب‌پذیری اشخاص ثالث بی‌گناه را ندارد. سوم؛ برخلاف جزای نقدی، حاوی این پیام قوی به اشخاص حقوقی است که ارتکاب جرم علیه این گروه سنی توسط آن‌ها همچون کالای قابل خرید نیست. بر ماده (۷) قانون حمایت از اطفال و نوجوانان نیز این اشکال وارد است که تنها از شرکت و معاونت شخص حقوقی در ارتکاب جرم‌های مرتبط با این افراد سخن گفته و تعرضی به مباشرت آن‌ها در این خصوص ننموده است. در حالی که واقعیت این نیست و به شرحی که گذشت، تحقق این مهم از طریق نماینده‌ی انسانی هر نهاد مسؤول، ممکن می‌نماید.

## نتیجه‌گیری

از آن‌چه که تحلیل شد، به دست می‌آید که عدم تکافوی تدابیر حقوقی در تقویت احساس مسؤولیت اشخاص مضمومول در ایفای وظیفه نسبت به اشخاص کم سن و سال و نیز تضمین‌های کیفری ناقص پیش‌بینی شده در قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱ برای تحقق این مهم، زمینه‌ساز اعتنای قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ نسبت به جمعی از ترک فعل‌های پرریسک در قبال منافع این طیف و مقرون نمودن آن‌ها با دسته‌ای از پاسخ‌های کیفری بوده است. به‌طور اصولی، تهدید کیفری اشخاص در مقوله‌ی بی‌کنتشی‌ها و وانهادن تکلیف‌ها در برابر ارزش‌هایی مانند مصالح کودکان، امری استثنایی و مغایر با قاعده است. اما محرک قانون مزبور در این سنت‌شکنی گذشته از دلیل بالا، اهتمام بیش از پیش به جنبه‌ی نوع‌دوستی و انسانی قضیه در ساحت حقوق جزا بوده است. برپایه‌ی این ضرورت، سطحی از ترک فعل‌های عمدی و غیرعمدی‌ای که مستعد قرار دادن اطفال و نوجوانان در معرض جرم یا موقعیت‌های مخاطره‌آمیز هستند، جرم‌انگاری و یا مواجهه با واکنش کیفری شدیدتر از گذشته شده‌اند. به‌عنوان یک جلوه، بر اهمیت بالندی این گروه از مجرای آموزش و پرورش انگشت تأکید نهاده شده و عدم تدارک زمینه‌ی تحصیل آن‌ها تا پایان دوره متوسطه از سوی اشخاص موظف از جمله والدین، ضمانت اجرای کیفری یافته و در صورت تکرار این بی‌تعهدی، واکنش، سطحی شدیدتر یافته است.

حساسیت قانون مزبور در خصوص بی‌توجهی‌های منجر به آزار جسمی، جنسی، روحی و یا خودکشی کودکان از جانب والدین و دیگر صاحبان تعهد نیز بالاست و بسته به مراتب قضیه، تهدید به کیفر از جمله حبس درجه پنج شده‌اند. این مصوبه همچنین، در سنجش با مقرره‌های سابق، زنهار شدیدتری به پرسنل نهادهای مسؤول در قبال شرایط اطفال و نوجوانان نظیر سازمان بهزیستی و آموزش و پرورش داده و در ازای غفلت‌ورزی، در زمره‌ی مجرمین گنجانده است. از جمله تعهدهای آن‌ها، شناسایی کودکان بزه‌دیده یا مواجه شده با خطر و کمک به آن‌ها به شکل‌های مقتضی مثل دور کردن آن‌ها از محیط خطر، نگهداری در محیط امن و در صورت نیاز، معرفی به مرجع‌های درمانی و حمایتی صلاحیت‌دار است. رویکرد توسعه‌نگر دیگر، گسترش شعاع ترک فعل‌های مجرمانه به عموم مردم قادر به خارج کردن این گروه سنی از ورطه‌ی بزه و کمند خطر است. به این‌سان، مرز اخلاق و حقوق کیفری بنا به ضرورت اجتماعی و پشتیبانی حداکثری از اطفال و نوجوانان در یک کرانه قرار گرفته‌اند.

با این‌همه، تدابیر قانون مورد بحث، چه در توصیف جزایی ترک فعل‌ها و چه در کیفیت ضمانت اجراهای ناظر به آن‌ها جامع نیست و به تغییر رویکرد نیاز دارد. از جمله:

- بی‌اعتنایی‌های تربیتی منتهی به بسیاری از تبعات سوء، شبیه اعتیاد اطفال و نوجوانان تحت سرپرست و یا ورود این طیف به پدیده‌ی شوم قاچاق انسان اهمیتی کمتر از ممانعت از ترک تحصیل یا آزار روحی آن‌ها نداشته و حسب مبانی پیش‌گفته، سزاوار جرم‌انگاری‌اند.

- در مقوله‌ی واکنش‌ها نیز، برای غفلت منجر به آزار جنسی هرچند شدیدترین شکل آن، ضمانت اجرای درجه هشت تعیین شده که نیازمند دگرگونی و ایجاد تناسب با نوع آزار است.

● همین‌طور، تعیین مجازات کمینه برای پدر و مادر نسبت به دیگر صاحبان تعهد، آن‌جا که ترک تکلیف به مرگ کودکان تحت سرپرست می‌انجامد، از بازدارندگی‌ای که باید، نابرخوردار و شایسته تأمل است.

## فهرست منابع

۱. ابراهیمی، شهرام. (۱۴۰۱). تحولات حقوق کیفری اطفال در فرانسه در پرتو قانون «عدالت کیفری کودکان و نوجوانان». فصلنامه تحقیقات حقوقی، ۱۰۲، ۱۶۸-۱۸۸.  
<https://doi.org/10.48308/jlr.2023.229621.2373>
۲. ابراهیمی، شهرام. (۱۴۰۲). مدل‌های مدیریت بزه‌کاری کودکان و نوجوانان با تأکید بر نوآوری‌های ماهوی و شکلی قانون «عدالت کیفری کودکان و نوجوانان فرانسه». مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، ۵۳ (۱)، ۱-۲۰.  
<https://www.doi.org/10.22059/jqcles.2024.366030.1878>
۳. اردبیلی، محمدعلی. (۱۴۰۴). حقوق جزای عمومی (ج ۲، چ ۶۶): تهران، نشر میزان.
۴. ارزانیان، نسترن. (۱۴۰۱). بررسی خلأهای قانون حمایت از حقوق کودکان و نوجوانان با تأکید بر نقش دفاتر حمایت از حقوق کودکان و نوجوانان دادگستری. فصلنامه تمدن حقوقی، ۵ (۱۳)، ۱۶۳۶۵۳.  
<https://doi.org/10.22034/lc.2023.163653>
۵. امیریان فارسانی، امین؛ رئیسی، مزده. (۱۳۹۸). آسیب‌شناسی کودک آزاری با چشم‌انداز حقوق تطبیقی، (چ ۱)، تهران: انتشارات ارسطو.
۶. باقری شیخانگشه، فرزین؛ فراهانی، حجت‌اله؛ دهقانی، محسن؛ فتحی آشتیانی، علی. (۱۴۰۲). بررسی ارتباط سلامت روانی و درد مزمن در کودکان و نوجوانان: یک مطالعه مروری نظام‌مند. مجله دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان، ۲۲ (۶)، ۶۳۶-۶۱۷.  
<http://dx.doi.org/10.61186/jrums.22.6.617>
۷. بیگی، جمال. (۱۳۹۸). راهبردنگاری قانونی برای کودکان و نوجوانان در سیاست‌گذاری آموزشی. سیاست‌نامه علم و فناوری، ۹ (۴)، ۳۱-۴۶.  
<https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.24767220.1398.09.4.3.3>
۸. محسن، جاری؛ کلیشادی؛ رؤیا؛ گلابول، اردلان؛ طاهری، مجذوبه؛ تسلیمی، مهناز؛ مطلق، محمد اسماعیل. (۱۳۹۵). شیوع اختلالات رفتاری در کودکان ایران. مجله تحقیقات نظام سلامت، ۱۲ (۱)، ۱۱۳-۱۰۹.  
<https://hsr.mui.ac.ir/article-1-828-fa.html>
۹. حسین‌پور، میلاد. (۱۴۰۰). پیش‌گیری از بزه‌دیدگی اطفال و نوجوانان از طریق مداخله فوری قضایی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی.
۱۰. خاجویی‌مازندرانی‌خاتون‌آبادی، محمداسماعیل. (۱۳۷۸). جامع‌الشتات. (چ ۱)، قم: انتشارات جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه.

۱۱. خاقانی اصفهانی، مهدی؛ محسنی، مریم. (۱۴۰۱). **ناترازی‌های سیاست جنایی تقنینی در «قانون حمایت از اطفال و نوجوانان» و «قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت»**. فصلنامه حقوق

کودک، ۴ (۱۶)، ۸۲-۹۶. <https://childrightsjournal.ir/article-1-137-fa.html>

۱۲. خاقانی اصفهانی، مهدی؛ احمدی، مینا. (۱۳۹۵). **اقتضات عدالت کیفری در باره کودکان بزه‌دیده از جرایم خشونت‌بار و مبتلا به اختلال PTSD؛ درج در مجموعه مقاله‌های برگزیده همایش ملی سیاست کیفری ایران در قبال بزه‌کاری و بزه‌دیدگی و کودکان و نوجوانان بزه‌کار و بزه‌دیده**، بهمن ماه ۱۳۹۲، کرمان، به کوشش حسین پور محی آبادی، تهران، نشر میران، چاپ نخست، ۳۰۵-۲۶۷.

<https://civilica.com/doc/244220>

۱۳. سراوانی، خدیجه؛ کمال‌الدینی، محمدحسین؛ میرسرگزی، زهرا؛ قرایی، ملیحه. (۱۳۹۹). **کنکاشی بر تجاوز جنسی کودکان؛ علل پیش‌آمدن و رفتارهای مناسب پس از آن**. مجله دانشکده پزشکی بابل، ۳

(۳)، ۱۴۰-۱۵۱. <https://civilica.com/doc/1547781>

۱۴. شاکری، ابوالحسن و عمویی، سیف‌کتی، ناهید. (۱۳۹۵). **سیاست کیفری ایران در قبال حمایت از بزه‌دیدگی کودکان و نوجوانان با محوریت جرایم جنسی؛ درج در مجموعه مقاله‌های برگزیده همایش ملی سیاست کیفری ایران در قبال بزه‌کاری و بزه‌دیدگی و کودکان و نوجوانان بزه‌کار و بزه‌دیده**، بهمن ماه ۱۳۹۲، کرمان، به کوشش حسین پور محی آبادی، تهران، نشر میران، چاپ نخست، ۲۰۹-

۱۹۷. [https://jqclcs.ut.ac.ir/article\\_70810.html](https://jqclcs.ut.ac.ir/article_70810.html)

۱۵. شریفی، محسن، حبیب‌زاده، محمدجعفر، عسائی، تفرشی، محمد و فرجیها، محمد. (۱۳۹۲). **انتساب مسئولیت کیفری به اشخاص حقوقی در نظام کیفری ایران و انگلستان**. آموزه‌های حقوق کیفری، ۱۰(۶)، ۵۷-۸۸.

[https://cld.razavi.ac.ir/article\\_758.html](https://cld.razavi.ac.ir/article_758.html)

۱۶. صادقی، محمدهادی. (۱۳۹۹). **جرایم علیه اشخاص**. (ج ۲)، تهران: نشر میزان.

۱۷. عارفی؛ مرتضی (۱۴۰۴): **شرح جامع قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹**، چاپ دوم، تهران، شرکت سهامی انتشار.

۱۸. عبدالمهدی، افشین. (۱۴۰۲). **واکاوی مسئولیت کیفری والدین در زمینه بی‌توجهی و سهل‌انگاری در برار کودکان دستخوش‌گزند، مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی**، ۵۳ (۱)، ۱۸۴-۱۶۵.

۱۹. غلامی، علی. (۱۴۰۴). **حقوق جزای عمومی**. (ج و، ج ۲)، تهران: نشر میزان.

۲۰. قاضی شریعت‌پناهی، ابوالفضل. (۱۴۰۲). **حقوق اساسی و نهادهای سیاسی**. (ج ۱۷)، تهران: نشر میزان.

۲۱. کلاتری، کیومرث و نصراللهی، ابوزر. (۱۳۹۵). **ضرورت وجود یک سیاست جنایی افتراقی در قبال کودکان و نوجوانان بزه‌دیده، درج در مجموعه مقاله‌های برگزیده همایش ملی سیاست کیفری ایران در قبال بزه‌کاری و بزه‌دیدگی و کودکان و نوجوانان بزه‌کار و بزه‌دیده**، بهمن ماه ۱۳۹۲، کرمان، به کوشش حسین پور محی آبادی، تهران، نشر میران، چاپ نخست، ۱۹۶-۱۶۸.

[/https://civilica.com/doc/244194](https://civilica.com/doc/244194)

۲۲. محبی، جلیل؛ ریاضت، زینب. (۱۳۹۷)، **شرح قانون مجازات اسلامی**. (چ ۱)، تهران: نشر میزان.
۲۳. محمدزاده، سلیمان؛ محمدی، محمدرضا؛ احمدی، نسترن؛ هوشیاری، زهرا؛ طه زاده، سمیه؛ یوسفی، فایق؛ مالکی، بهنام؛ حمیدی، صمد. (۱۳۹۷). **همه گیرشناسی اختلال های روانپزشکی در کودکان و نوجوانان ۱۸ ساله استان کردستان در سال ۱۳۹۵**. مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی کردستان، ۲۳ (۶)، ۱۱۵-۱۲۷.  
<http://dx.doi.org/10.52547/sjku.23.6.115>
۲۴. محمدی، التاز؛ خانجانی، زینب؛ هاشمی نصرت آباد، تورج. (۱۳۹۹). **بخشی پور رودسری عباس. پیش بینی آسیب های غیر عمدی دوران کودکی براساس کنترل بازداری و تکانشگری باتوجه به نقش جنسیت**. مجله مطالعات ناتوانی، ۱۰ (۶۷)، ۱-۷.  
<https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.23222840.1399.10.0.178.7>
۲۵. مطهری، مرتضی. (۱۴۰۰). **خدمات متقابل اسلام و ایران**. (چ ۶۲)، تهران: انتشارات صدرا.
۲۶. منصورآبادی، عباس. (۱۴۰۳). **حقوق جزای عمومی ۲**. (چ ۱۴)، تهران: نشر میزان.
۲۷. موسوی خمینی، سید روح الله. (بی تا). **تحریرالوسیله**. (چ ۱)، قم: مطبوعات دارالعلم.
۲۸. میرمحمدصادقی، حسین. (۱۴۰۳). **جرایم علیه تمامیت جسمانی اشخاص**. (چ ۳۴)، تهران: نشر میزان.
۲۹. میرمحمدصادقی، حسین. (۱۴۰۴). **حقوق جزای عمومی (۲)**. (چ ۵)، تهران: نشر میزان.
۳۰. نیاکویی، سید امیر و عسکریان، محسن (۱۴۰۲). **سند چشم انداز بیست ساله، رقباي منطقه اي و ضرورت منطقه گرایی در سیاست خارجی ایران (تحلیل وضعیت در پیش رو و چشم انداز مطلوب)**. پژوهش های روابط بین الملل، ۱ (۱۷)، ۱۰۳-۶۹.  
[https://www.iisajournals.ir/article\\_41991.html](https://www.iisajournals.ir/article_41991.html)
۳۱. نیکومنظری، امین (۱۴۰۳) قابلیت انطباق مجازات اشخاص حقوقی با اصول سنتی مجازات ها در نظام حقوقی ایران با رویکردی به نظام های کیفری آمریکا و انگلستان، ۱ (۱۵)، ۱۹۱-۱۷۹.  
<https://doi.org/10.22124/JOL.2024.25563.2406>
۳۲. واعظی، مجتبی. (۱۳۹۴). **معیار عمل حاکمیت در حقوق ادای ایران**، مجله ی مطالعات حقوقی، ۷ (۲)، ۱۹۹-۲۲۰.  
<https://doi.org/10.22099/jls.2015.3217>
۳۳. همتی، مجتبی. (۱۴۰۰). **قلمرو شمول و استثنائات قانون مدیریت و خدمات کشوری و قانون کار: چالش ها و راهکارها**. پژوهش های نوین حقوق اداری، ۴ (۱۱)، ۲۷۳-۲۴۳.  
<https://doi.org/10.22034/mral.2022.539410.1193>
۳۴. یمین کاشانی، حمید. (۱۴۰۳). **وظایف سازمان های دولتی در قبال کودکان و نوجوانان در معرض خطر و بزه دیده** (موضوع ماده ۶ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان)؛ تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.

35. Committee on the Right of Child (2011). **General comment No.13 on the right of the child to freedom all forms of violence**. Retrieved November 1, 2016, <https://www.ohchr.org>

36. Ssenyonjo, M. (2009). **Economic, social and cultural rights in international law**. Bloomsbury Publishing. <https://www.taylorfrancis.com/chapters/edit/10.4324/9781315589404-11>
37. Morrongiello, B. A., Corbett, M. R., & Kane, A. (2011). **A measure that relates to elementary school children's risk of injury: the supervision attributes and risk-taking questionnaire (SARTQ)**. *Injury prevention*, 17(3), 189-194. <https://doi.org/10.1136/ip.2010.028548>

نسخه  
پیش  
از انتشار

## **Evaluation of the abandonment of criminal acts foreseen in the Law on the Protection of Juvenile**

### **Abstract**

The protection of persons under the age of eighteen as a vulnerable segment of society became the basis for the enactment of the Law on the Protection of Juvenile and for some omissions of acts towards them to be criminalized and punished as an exception to the rule, due to the altruistic and humane aspect. The evaluation of this issue is because it has not been reflected in previous research and what has been done is from a different perspective than this article. This research, with a descriptive-analytical method and the use of library tools in collecting information, is preparing an answer to the question of which omissions of acts committed by persons towards the situation of Juvenile have been criminalized and which others have not met such a fate. It is also in this context that the conditions of each of these criminal acts and their guarantees of execution are considered, and what shortcomings have been noted in the position of the aforementioned law in this regard. The findings show that most of the abandonment of criminal acts is aimed at disrupting education and harming the body and mind of this group of people. This development is positive but incomplete. Ziza has refrained from criminalizing some acts, including gross negligence of parents in causing a child to commit suicide or economically exploiting him. The penalties determined are also not very proportionate to the severity of some of the crimes in question.

**Key words:** children and adolescents, parents and legal guardians, other persons, refraining from criminal acts, execution guarantee